



دانشگاه پیام نور
بخش ادبیات و زبان‌های خارجی

برای دریافت مدرک دکترای تخصصی (Ph. D.)

رشته: زبان‌شناسی همگانی
گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی

عنوان رساله:

ساخت به اصطلاح مجهول در زبان کردی (کرمانجی، سورانی)

پژوهشگر:

فاطمه دانش پژوه

استاد راهنما:

دکتر غلامحسین کریمی دوستان

اساتید مشاور:

دکتر زینب محمدابراهیمی جهرمی

و

دکتر بلقیس روشن

خرداد ۱۳۹۳

به نام خداوند بخشنده و مهربان که

در آینه دلها جلوه کرد و

از دریغ عقول برتوا فکنند.



دانشگاه پیام نور
بخش ادبیات و زبان‌های خارجی

برای دریافت مدرک دکترای تخصصی (Ph. D.)

رشته: زبان‌شناسی همگانی
گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی

عنوان رساله:

ساخت به اصطلاح مجهول در زبان کردی (کرمانجی، سورانی)

پژوهشگر:

فاطمه دانش پژوه

در تاریخ ۹۳/۳/۳ توسط کمیته‌ی تخصصی و هیأت داوران مورد بررسی قرار گرفت و با نمره ۲۰ و درجه‌ی عالی به تصویب رسید.

استاد راهنما: دکتر غلامحسین کریمی دوستان

استاد مشاور اول: دکتر زینب محمدابراهیمی جهرمی

استاد مشاور دوم: دکتر بلقیس روشن

داور خارجی: دکتر علی درزی

داور داخلی: دکتر آرزو نجفیان

تقدیم بہ استاد بزرگوارم:

جناب آقای دکتر غلامحسین کریمی دوستان

کہ در مقابلش با احترام ایستادہ ام

و

بر آنم کہ درس ہایم را پس بدہم.

پاسکزاری

پاس خداوند را که باب رحمت بگشود و راه طلب بنمود. قدردان و پاسکزار زحمات استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر
علا محسن کریمی دوستان، هستم که دلسوزانه و صبورانه راهنمایی این نگارش را به عهده داشتند و با سه صدر رنج خواندن و صحیح
نوشته‌هایم را بر خود روا داشتند. اگر وجود این فریخته نبود، هیچگاه به مرحله‌ی نگارش این رساله نمی‌رسیدم. از استاد فرزانه و
دلسوزم خانم دکتر محمد ابراهیمی به عنوان مشاور اول که همواره نگارنده را مورد لطف و محبت خود قرار داده‌اند، کمال تشکر را
دارم. از استاد فرزانه و فریخته خانم دکتر روشن به عنوان مشاور دوم که همواره نگارنده را در کسب علم و معرفت یاری نمودند
و در همه حال نقش بیش از یک مشاور را داشتند، تشکر می‌نمایم. همچنین از پروفسور ونولین که در طول نگارش رساله از
راهنمایی‌های ارزنده خود مراب‌ی بهره‌گذاشتند، پاسکزارم. همچنین از آقای پاک سرشت که در گردآوری داده‌های کردی
کرمانجی مرا بسیار یاری نمودند پاس می‌نم. از هیئت محترم داوران جناب آقای دکتر دزی و خانم دکتر نخبیان به رغم
مشغله فراوان داوران این رساله را متقبل شده‌اند نهایت تشکر و امتنان را دارم. در پایان از تمامی کسانی که مراد به اتمام
رسانیدن این رساله مورد لطف قرار داده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تطبیقی- تحلیلی ساخت به اصطلاح مجهول در کردی سورانی و کرمانجی است که بر اساس رویکرد "دستور نقش و ارجاع" تحلیل می‌شود. سورانی گونه‌ی مهابادی و کرمانجی گونه‌ی ماکویی به ترتیب مجهول ساختوازی و نحوی را در نظام زبانی خود متجلی می‌سازند. این فرایند در سورانی از طریق افزودن تکواژ *-râ/rê* به ریشه‌ی فعلی و در کرمانجی از طریق فعل کمکی *hatin* "آمدن" و مصدر فعل حاصل می‌شود. در این رساله، در قدم اول بر اساس تعریف معنایی جدیدتر که برای دو فرانش اثرگذار و اثرپذیر پیشنهاد شده است، نقش معنایی و نحوی این تکواژها بررسی می‌شود. در این مطالعه نشان داده می‌شود که نقش اصلی و محوری این تکواژها "پاد-اثرگذار" است. زیرا در تمامی موارد تبلور و تجلی تکواژ *-râ/rê* در سورانی و فعل کمکی *hatin* "آمدن" با مصدر فعل در کرمانجی سبب عدم حضور تمامی نقش‌های خاص مربوط به اثرگذار و یا در حاشیه قرار دادن آنها در سطح نحو می‌شود. در قدم بعدی پدیده‌ی مجهول در هر دو گویش مورد مطالعه قرار می‌گیرد. برآیند حاصل از داده‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم آنکه، کرمانجی و سورانی در بند متعدی گذشته به ترتیب نظام زبانی ارگتیو ساختوازی و غیرفاعلی-مفعولی را در نظام زبانی خود متجلی می‌سازند، مجهول زمان-مبنا نیست. بدان معنا که پدیده‌ی مجهول در هر دو گویش در زمان حال و گذشته، هر دو، از نظام زبانی فاعلی-مفعولی پیروی می‌کند. علاوه بر این، نشان داده می‌شود که مجهول هر دو مرحله‌ی مندرج در "اصل همگانی تقابل جهت" یعنی تغییر موضوع نحوی- ترجیحی (PSA) و تغییر موضوع را که ونولین (۲۰۰۷) مطرح نموده است دربرمی‌گیرد. افزون بر این، برآیند حاصل از داده‌ها بیانگر این مطلب است که در زبان کردی هیچ تفاوت عمده‌ای به لحاظ نحوی، معناشناسی و کاربردشناختی میان مجهول ترکیبی و تصریفی مشاهده نمی‌شود. در مرحله‌ی آخر نیز با استناد بیشتر به آرای کرافت (۲۰۱۰) نشان داده می‌شود که مجهول ساختوازی و نحوی هر دو رخداد کرانمند و ناکرانمند را توصیف می‌کنند. بنابراین، رابطه‌ی مستقیمی بین ساخت مجهول و مقوله‌ی کرانمندی وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: ساخت به اصطلاح مجهول، دستور نقش و ارجاع، فرانش، نمود، کرانمندی، کردی سورانی، کردی کرمانجی

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش.....	۱
۱. مقدمه.....	۱
۱.۱. گونه‌های زبانی مورد بررسی.....	۲
۲.۱. ضرورت و اهداف پژوهش.....	۸
۳.۱. بیان مسئله و پرسش‌های پژوهش.....	۸
۴.۱. فرضیه‌های پژوهش.....	۱۱
۵.۱. روش تحقیق.....	۱۱
۶.۱. توصیف مفاهیم کلیدی.....	۱۲
۷.۱. ساختار رساله.....	۱۷
فصل دوم: چهارچوب نظری.....	۱۹
۲. مقدمه.....	۱۹
۱.۲. خاستگاه و مبانی نظری دستور نقش و ارجاع.....	۱۹
۲.۲. ساخت نحوی.....	۲۲
۱.۲.۲. ساخت لایه‌ای بند.....	۲۲
۲.۲.۲. جنبه‌های غیرهمگانی ساخت لایه‌ای بند.....	۲۴
۳.۲.۲. عملگرها.....	۲۵
۴.۲.۲. بازنمایی صوری از ساخت بند.....	۲۸
۳.۲. نمود واژگانی و طبقه‌بندی افعال.....	۲۹
۱.۳.۲. طبقه‌بندی افعال براساس نمود درونی.....	۳۱
۲.۳.۲. ساخت منطقی.....	۳۴
۳.۳.۲. نقش‌های معنایی.....	۳۶

۴۰ ۴.۳.۲ نقش‌های معنایی تعمیم‌یافته (فرانقش‌ها) در دستور نقش و ارجاع
۴۲ ۵.۳.۲ گذرایی معنایی و گذرایی نحوی
۴۴ ۴.۲ ساختار اطلاعاتی
۴۵ ۱.۴.۲ مبتدا و خبر
۴۶ ۲.۴.۲ ساخت کانونی وانواع آن
۴۹ ۳.۴.۲ بازنمود صوری ساختار اطلاعاتی
۵۱ ۵.۲ روابط نحوی و حالت‌نمایی
۵۱ ۱.۵.۲ موضوع نحوی ترجیحی
۵۴ ۲.۵.۲ حالت‌نمایی و مطابقه
۵۵ ۶.۲ پیوند بازنمود معنا و نحو در جملات ساده
۵۶ ۱.۶.۲ الگوریتم پیوندی
۵۹ ۲.۶.۲ طرح‌های ساختاری
۵۹ ۳.۶.۲ پیوند از معناشناسی به نحو
۶۴ ۷.۲ خلاصه
۶۵ فصل سوم: پیشینه‌ی تحقیق
۶۵ ۳. مقدمه
۶۵ ۱.۳ مطالعات رده‌شناسی
۷۲ ۲.۳ تبیین ساخت مجهول
۷۳ ۱.۲.۳ زبان‌شناسی صورت‌گرا
۸۰ ۲.۲.۳ دستور واژه
۸۲ ۳.۲.۳ زبان‌شناسی نقش‌گرا
۸۴ ۴.۲.۳ زبان‌شناسی شناختی
۸۶ ۳.۳ پیشینه‌ی مجهول در زبان فارسی
۹۲ ۴.۳ پیشینه‌ی مجهول در زبان کردی

۹۷	۵.۳ خلاصه
۹۹	فصل چهارم: بررسی تطبیقی ساخت به اصطلاح مجهول در زبان کردی
۹۹	۴. مقدمه
۹۹	۱.۴ نقش معنایی و نحوی تکواژ <i>râ/rê</i> - درگوش سورانی و فعل کمکی <i>hatin</i> در کرمانجی
۱۰۰	۱.۱.۴ تعریف پیشنهادی جدید برای فرانش‌های اثرگذار و اثرپذیر
۱۰۵	۲.۱.۴ نقش معنایی و نحوی تکواژ <i>râ/rê</i> - در سورانی و فعل کمکی <i>hatin</i> در کرمانجی
۱۱۷	۳.۱.۴ تکواژ <i>râ/rê</i> - و ویژگی‌های معنایی اثرگذار در رابطه با کنشگر
۱۲۰	۴.۱.۴ نقش معنایی و نحوی فعل کمکی <i>hatin</i> "آمدن" در کرمانجی
۱۲۹	۲.۴ نیروی طبیعی و ابزار در زبان کردی
۱۳۲	۳.۴ ساخت‌های غیرمعلوم در کردی
۱۳۹	۴.۴ مجهول‌شدگی در کرمانجی و سورانی بر پایه‌ی دستور نقش و ارجاع
۱۵۶	۱.۴.۴ ضد مجهول‌شدگی در زبان‌های ارگتیو
۱۵۸	۲.۴.۴ مجهول و ساختار اطلاعاتی
۱۶۳	۳.۴.۴ طرح‌های ساختاری
۱۶۵	۴.۴.۴ الگوریتم پیوندی
۱۶۹	۵.۴ ماهیت نمود درونی فعل و رابطه‌ی آن با مجهول
۱۷۱	۱.۵.۴ طبقه‌بندی افعال براساس نمود درونی
۱۷۲	۲.۵.۴ ماهیت نمود درونی فعل در سورانی و کرمانجی
۱۸۴	۳.۵.۴ نمود درونی فعل و رابطه‌ی آن با ساخت غیرمعلوم در سورانی و کرمانجی
۱۹۳	۶.۴ خلاصه
۱۹۴	فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۱۹۴	۱.۵ مقدمه
۱۹۴	۲.۵ نتایج و دستاوردها

۳.۵ پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی..... ۲۰۲

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱.۲ انگاره‌ی دستور نقش و ارجاع ۲۱
- شکل ۲.۲ تقابل‌های همگانی زیرساختی ساخت بند ۲۳
- شکل ۳.۲ سازه‌های ساخت لایه‌ای بند ۲۳
- شکل ۴.۲ ساخت لایه‌ای بند در زبان انگلیسی ۲۳
- شکل ۵.۲ مثالی از ساخت لایه‌ای بند در انگلیسی ۲۵
- شکل ۶.۲ نمونه‌ای از ساخت لایه‌ای بند در زبان انگلیسی ۲۸
- شکل ۷.۲ پیوستار نقش‌های معنای فعل - ویژه تا روابط دستوری ۳۷
- شکل ۸.۲ پیوستار روابط معنایی برحسب جایگاه موضوع در ساخت منطقی ۳۹
- شکل ۹.۲ سلسله مراتب اثرگذار-اثرپذیر تجدیدنظر شده ۴۱
- شکل ۱۰.۲ ساخت کانون گزاره‌ای در انگلیسی ۵۰
- شکل ۱۱.۲ ساخت کانون محدود ۵۰
- شکل ۱۲.۲ نمای کلی از نظام پیوند در دستور نقش و ارجاع ۵۶
- شکل ۱۳.۲ انگاره‌ی تجدیدنظر شده‌ی دستور نقش و ارجاع ۵۸
- شکل ۱۴.۲ الگوریتم نحو به معناشناسی ۶۳
- شکل ۱۵.۲ پیوند از نحو به معنا در جمله‌ی مجهول ۶۳
- شکل ۱.۴ ویژگی‌های معنایی گروه اسمی (اثرگذار) ۱۰۱
- شکل ۲.۴ بازنمایی صوری کانون محمول در ساخت مجهول (کرمانجی و سورانی) ۱۶۰
- شکل ۳.۴ بازنمایی صوری کانون محدود در ساخت مجهول (کرمانجی و سورانی) ۱۶۲
- شکل ۴.۴ برون‌داد مرحله‌ی اول ۱۶۵
- شکل ۵.۴ برون‌داد مرحله‌ی دوم ۱۶۵
- شکل ۶.۴ برون‌داد مرحله‌ی سوم ۱۶۶
- شکل ۷.۴ پیوند از معنا به نحو در جمله‌ی مجهول (کرمانجی) ۱۶۶

شکل ۸.۴ پیوند از نحو به معنا در جمله‌ی مجهول (کرمانجی) ۱۶۷

شکل ۹.۴ پیوند از معنا به نحو در جمله‌ی مجهول (سورانی) ۱۶۸

شکل ۱۰.۴ پیوند از نحو به معنا در جمله‌ی مجهول (سورانی) ۱۶۸

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱.۱ حالت ضمائر منفصل در گویش کرمانجی ۴
- جدول ۲.۱ حالت گروه اسمی در گویش کرمانجی ۴
- جدول ۳.۱ شناسه‌های فاعلی در گویش سورانی ۵
- جدول ۴.۱ واژه‌بست‌ها در گویش سورانی ۵
- جدول ۵.۱ مجهول ساختواژی در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو ۱۳
- جدول ۶.۱ مجهول نحوی در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو ۱۴
- جدول ۱.۲ روابط میان سازه‌های نحوی و واحدهای معنایی در ساخت لایه‌ای بند ۲۴
- جدول ۲.۲ عملگرها در ساخت لایه‌ای بند ۲۶
- جدول ۳.۲ طبقه‌بندی نمودی وندلر ۳۱
- جدول ۴.۲ طبقه‌بندی نمودی افعال بر پایه‌ی دستور نقش و ارجاع ۳۳
- جدول ۵.۲ آزمون‌هایی برای طبقه‌بندی نمودی افعال ۳۳
- جدول ۶.۲ ساخت منطقی گروه‌های فعلی بر پایه‌ی نمود واژگانی ۳۵
- جدول ۷.۲ توصیف روابط تنایی برحسب ساخت منطقی ۳۸
- جدول ۸.۲ تعداد فرانش و گذرایی ۴۳
- جدول ۹.۲ طرح ساخت مجهول در زبان انگلیسی ۵۹
- جدول ۱.۳ شناسه‌های فاعلی و غیرفاعلی در معلوم و مجهول در زبان‌های یونانی نو و لاتین ۶۸
- جدول ۱.۴ رابطه‌ی $r\hat{a}/r\hat{e}$ با افعال مرکب یک ظرفیتی برحسب جایگاه‌های موضوعی ۱۱۰
- جدول ۲.۴ رابطه‌ی $r\hat{a}/r\hat{e}$ با افعال دو ظرفیتی برحسب جایگاه‌های موضوعی ۱۱۵
- جدول ۳.۴ رابطه‌ی $hatin$ با افعال مرکب یک ظرفیتی برحسب جایگاه‌های موضوعی ۱۲۴
- جدول ۴.۴ رابطه‌ی $hatin$ با افعال دو ظرفیتی برحسب جایگاه‌های موضوعی ۱۲۶
- جدول ۵.۴ طرح ساخت مجهول در گویش کرمانجی ۱۶۳
- جدول ۶.۴ طرح ساخت مجهول در گویش سورانی ۱۶۴
- جدول ۷.۴ طبقه‌بندی افعال ایستا در گویش سورانی ۱۷۷

- جدول ۸.۴ طبقه‌بندی افعال ایستایی در گویش کرمانجی ۱۷۷
- جدول ۹.۴ طبقه‌بندی افعال گویش سورانی براساس نمود درونی ۱۸۳
- جدول ۱۰.۴ طبقه‌بندی افعال گویش کرمانجی براساس نمود درونی ۱۸۳
- جدول ۱۱.۴ نمود درونی فعل و رابطه‌ی آن با فعل کمکی *htain* و تکواژ *-rê/râ* ۱۹۲

فصل اول

کلیات پژوهش

۱. مقدمه

هر چند توصیف و تحلیل ساخت مجهول^۱ در زبان فارسی توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است و در بسیاری از موارد سعی در یافتن اصول کلی حاکم بر چگونگی شکل‌گیری این ساختار شده است. اما توصیف و تحلیل این ساختار در مورد زبان‌ها و گویش‌های دیگر ایرانی، بالاخص زبان‌هایی که مجهول ساختوازی (تصریفی)^۲ را در نظام زبانی خود متجلی می‌سازند، مورد توجه چندانی قرار نگرفته است. در زبان کردی^۳ نیز اغلب به توصیف ساده فعل مجهول اکتفا شده است و کارهای نظری و توصیفی انجام گرفته در این حوزه بر پایه‌ی نظریات نوین زبان‌شناسی بسیار اندک است.

مجهول به طور عام به یک الگوی دستوری اطلاق می‌شود که در آن فاعل فعل متعدی یا فاعل فعل لازم (کنشگر) در جمله ظاهر نمی‌شود و موضوع غیرکنشگر در جایگاه نهاد جمله قرار می‌گیرد. هیگ (۲۰۰۴: ۲۶) نیز بیان می‌کند که مجهول یک فرایند نحوی-واژی است که فاعل فعل لازم [S]، یا فاعل فعل متعدی [A] از چهارچوب موضوعی فعل حذف می‌شود^۴. بنابراین، نگاشت نقش‌های معنایی در نحو همیشه به این سادگی نیست که عامل همیشه به صورت فاعل نمود پیدا کند و یا اینکه فاعل جمله همیشه دارای نقش معنایی عامل باشد. شایان ذکر آنکه، در زبان‌های ایرانی تبلور دستوری و صوری مجهول غالباً در بندهای دارای فعل متعدی است که به دو گونه‌ی متفاوت الف) مجهول ساختوازی (تصریفی) و ب) مجهول نحوی (ترکیبی)^۵ نمود پیدا می‌کند.

پژوهش حاضر گامی است در جهت توصیف بخشی از توانش ذهنی کردزبانان و دستور زبان کردی که دو نوع ساخت به اصطلاح مجهول ساختوازی و نحوی را در نظام زبانی خود متجلی می‌سازد. این پژوهش بر پایه‌ی نظریه‌ی "دستور نقش و ارجاع"^۶ که اولین بار از سوی فولی^۱ و ونولین^۲ (۱۹۸۴) به

1. passive structure

2. morphological/ syntactic passive

3. Kurdi

^۴ . هیگ به پیروی از دیکسون (۱۹۹۴) فاعل فعل لازم، فاعل فعل متعدی و مفعول را به ترتیب با نمادهای [S]، [A] و [O] نشان می‌دهد.

5. periphrastic passive

6. Role and Reference Grammar (RRG)

دنیای زبان‌شناسی راه یافت، ارائه می‌شود. این نظریه سعی نموده است که تعامل میان ویژگی‌های نحوی، معنایی و کاربردشناختی^۳ را در توصیف و تبیین نظام دستوری زبان مورد توجه قرار دهد. یکی از ویژگی‌های متمایز رویکرد دستور نقش و ارجاع نگاشت^۴ دوسویه میان نحو و معناشناسی است که در آن معنا را بر نحو و نحو را بر معنا منطبق می‌نماید. افزون بر این، "کارایی رده‌شناختی" از تعهدات این رویکرد است و می‌کوشد تا جنبه‌هایی از ساختار بند را که در همه زبان‌ها یافت می‌شود، کشف نماید. این نظریه مدعی است که بر اساس زبان‌هایی با ساختارهای متفاوت مانند لاکوتا^۵، تاگالوک^۶، جیربال^۷ و بربری^۸ شکل گرفته است.

۱.۱ گونه‌های زبانی مورد بررسی

زبان کردی یکی از زبان‌های هندواروپایی است که به خانواده‌ی شمال غربی زبان‌های ایرانی تعلق دارد. به طور کلی زبان کردی به سه گروه عمده تقسیم می‌شود: الف) گویش شمالی موسوم به کرمانجی^۹ که دارای گونه‌های جزیره‌ای، هکاری، بایزیدی، بوتانی، شم‌دینانی و بادینانی است که در تمامی مناطق کردنشین ترکیه، بخشی از کردستان عراق، آذربایجان غربی (ارومیه، سلماس، خوی، ماکو) همچنین در استان خراسان رضوی و استان خراسان شمالی و نیز در استان گیلان (رودبار، پیرکوه، کرماک و برخی از روستاهای سیاهکل) و مناطق کردنشین ارمنستان و قزاقستان به آن تکلم می‌کنند، ب) گویش مرکزی موسوم به سورانی^{۱۰} که خود به گونه‌های اردلانی در سنندج، مکرانی در مهاباد، سردشت، نقده، بوکان، شاهین‌دژ، پیرانشهر، اشنویه و شهرهای رانیه و قلعه دیزه در کردستان عراق تقسیم می‌شود و ج) گویش جنوبی که به کلهری، لکی و ایلامی در استان‌های کرمانشاه، کردستان، ایلام و لرستان در غرب ایران و نیز در شرق عراق (خانقین، بدره) تقسیم می‌شود. گویش

^۱ .W. A. Foley

^۲ . R. D. Van Valin

^۳ . pragmatics

^۴ . mapping

^۵ . Lakhota

^۶ . Tagalog

^۷ . Dyrbal

^۸ . Barai

^۹ . Kurmanji

^{۱۰} . Sōranî

سورانی مشخصاً گونه‌ی مهابادی و گویش کرمانجی مشخصاً گونه‌ی ماکویی، گونه‌های زبانی مورد بررسی در این رساله را تشکیل می‌دهند. مهاباد و ماکو در استان آذربایجان غربی واقع شده‌اند که مرکز آن ارومیه است. ارومیه با بیش از سه هزار سال قدمت، یکی از قدیمی‌ترین شهر در منطقه‌ی شمال غرب ایران به شمار می‌رود. هر دو گویش منتخب در این پژوهش نظام زبانی ارگتیو گسسته^۱ را در نظام زبانی خود متجلی می‌سازند. لذا زمان نیز یکی از عواملی است که صورت‌های زبانی را در هر دو گویش دستخوش تغییر می‌کند. به طوری که در زمان حال این گویش‌ها از نظام زبانی فاعلی-مفعولی و در بند متعدی گذشته از نظام زبانی غیرفاعلی-مفعولی تبعیت می‌کنند. نکته‌ی درخور توجه این است که تفاوت‌های ساختاری قابل ملاحظه‌ای در گویش‌های منتخب مشاهده می‌شود. نخست اینکه، در بند متعدی گذشته، گویش کرمانجی تمامی ویژگی‌های زبان‌های ارگتیو^۲ را به لحاظ حالت و مطابقه در ساخت دستوری خود متجلی می‌سازد. اما نظام ارگتیو در گویش سورانی هم به لحاظ مطابقه و هم به لحاظ حالت دستخوش تغییر شده است. به طوری که، در سطح رو ساخت منطبق بر هیچکدام از ویژگی‌های زبان‌های فاعلی-مفعولی و ارگتیو نیست. دوم اینکه، در گویش کرمانجی فعل دارای سه ساخت گذشته، حال و آینده است ولی در گویش سورانی فعل دارای دو ساخت گذشته و حال است. در واقع، در سورانی ساخت فعل زمان حال با ساخت فعل زمان آینده یکی است و تنها بر اساس قید و مفهوم جمله، حال یا آینده فعل مشخص می‌شود. سوم اینکه، اسم‌ها و ضمائر منفصل در کرمانجی مانند ایرانی میانه از دو حالت فاعلی و غیرفاعلی برخوردارند (۱-۱)؛ در حالی که ضمائر منفصل در گویش سورانی فقط در حالت فاعلی قرار دارند.

1-1. a. ez ket-im.

ا.ش.م-افتادن من(ح. فاعلی)

"من افتادم."

b. min sêv xwar-in.

جمع-خوردن من(ح. غیرفاعلی) سیب

"من سیب‌ها را خوردم."

¹ . split ergative

² . ergative

همچنانکه مشاهده می‌شود در جمله‌ی (1-1a) فاعل در حالت فاعلی (ez "من") ولی در جمله‌ی (1-2b) در حالت غیرفاعلی (min "من") قرار دارد. برای درک بهتر ساخت دستوری گویش کرمانجی در این رساله، حالت ضمایر منفصل و گروه‌های اسمی به ترتیب در جدول‌های (۱.۱) و (۲.۱) آمده‌اند.

جدول ۱.۱. حالت ضمایر منفصل در گویش کرمانجی

حالت غیرفاعلی	حالت فاعلی	شخص و شمار
min	ez	ا.ش. م
te	tu	د.ش. م
(مذکر) wî (e-) (مؤنث) wê (e-)	ew	س.ش. م
me	em	ا.ش. ج
we	hûn	د.ش. ج
ewan	ew '(-an)	س.ش. ج

جدول ۲.۱. حالت گروه اسمی در گویش کرمانجی

حالت غیرفاعلی	حالت فاعلی	اسم
	√	فاعل لازم (گذشته، حال، آینده)
	√	فاعل متعدی (حال، آینده)
√		فاعل متعدی (گذشته)
	√	مفعول صریح (گذشته)
√		مفعول صریح (حال، آینده)
√		مفعول غیرصریح
√		وابسته‌های اضافی

چهارم آنکه، در زمان گذشته واژه‌بست‌ها جزء لاینفک ساختار جملات در گویش سورانی می‌باشند و به عنوان یک سازه اسمی با کارکردهای نحوی جداگانه بکار برده می‌شوند. در حالی که، واژه‌بست‌ها

² . clitics

هیچ نقشی در ساخت دستوری گویش کرمانجی ندارند. شایان ذکر آنکه، ضمایر متصل شخصی در گویش سورانی دو گونه است. نوع اول شناسه و نوع دوم واژه‌بست خوانده می‌شود. شناسه‌ها فقط به فعل می‌پیوندند ولی واژه‌بست‌ها به اسم، فعل و ضمایر می‌پیوندند و برخی از نقش‌های فرعی اسم را در زنجیره‌ی گفتاری برعهده می‌گیرند. شناسه‌ها و واژه‌بست‌های گویش سورانی به ترتیب در جدول‌های (۳.۱) و (۴.۱) آمده‌اند.

جدول ۳.۱. شناسه‌ها در گویش سورانی

شخص	شمار	مفرد	جمع
اول شخص		-im	-in
دوم شخص		-i(it)	-en
سوم شخص		-â/e/ø	-en

جدول ۴.۱. واژه‌بست‌ها در گویش سورانی

شخص	شمار	مفرد	جمع
اول شخص		-im	-mân
دوم شخص		-et	-tân
سوم شخص		-i	-yân

از آنجا که در گویش سورانی شناخت ساخت نحوی از جمله تبیین مطابقه در بند متعدی گذشته به شناخت واژه‌بست‌ها بستگی دارد، قواعدی که در بند متعدی گذشته بر واژه‌بست‌ها حاکم هستند در ذیل آمده‌اند.

قانون یک: هر بند متعدی در زمان گذشته به یک واژه‌بست نیاز دارد خواه فاعل متعدی در جمله باشد یا نباشد.

1-2. a. (ama) aw- mân dît.

واژبست (ا.ش.ج)-او (ما) دیدن

"ما او را دیدیم."